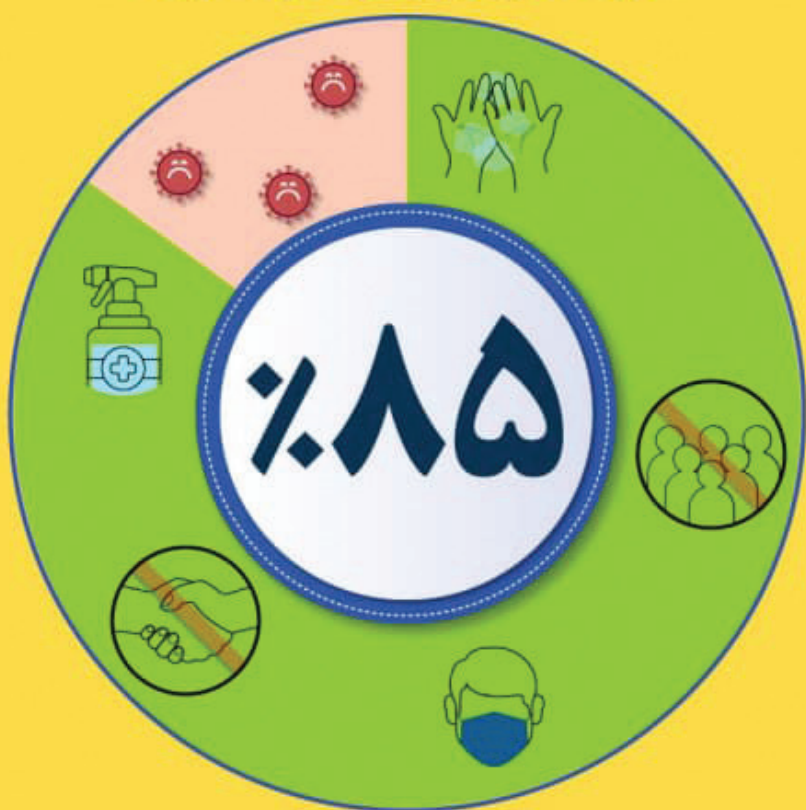


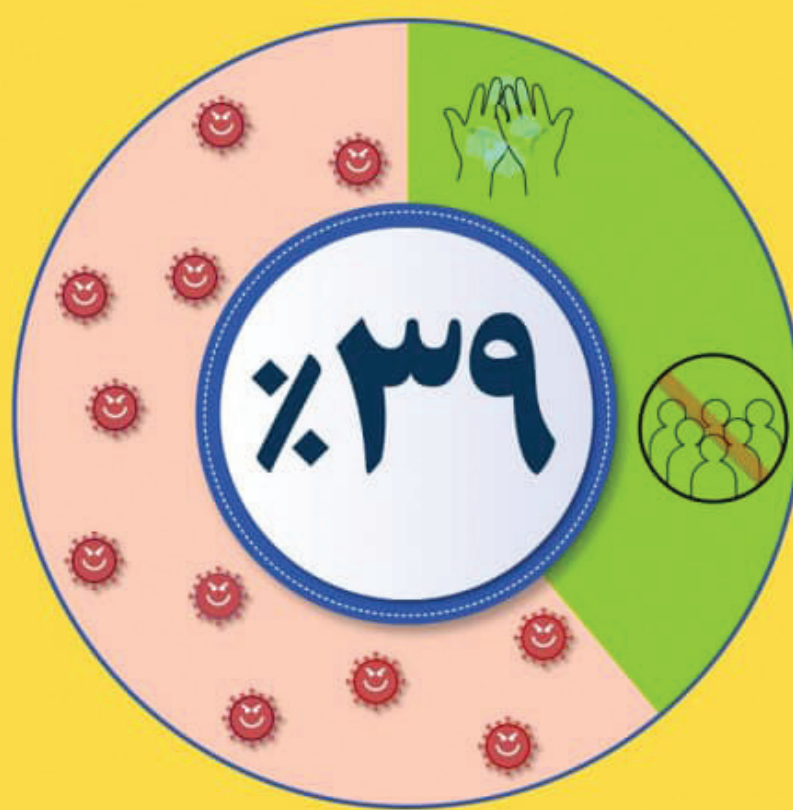
# هشدار! رعایت پروتکل های بهداشتی کاهش یافته است!

به گفته مسئولان وزارت بهداشت، رعایت شیوه نامه های بهداشتی در کشور به ۳۹ درصد رسیده است که کمترین حد رعایت در یک سال اخیر است. با توجه به قدرت سرایت بالای ویروس دلتا این روند باعث افزایش تعداد مبتلایان خواهد شد.

حد مطلوب رعایت پروتکل های بهداشتی  
برای جلوگیری از شیوع کرونا



میزان رعایت پروتکل های بهداشتی در کشور



مراکز پرخطر



پاساژها و بازارهای سرپوشیده



استفراها



تالارها



رستورانها با پذیرایی در محل

۵۴

## گزارش

«آرمان ملی» بررسی می کند:

## سرنوشت اصلاح طلبان در عصر رئیسی!



مانند رقیب خود داشته باشد. این دسته ضمن اینکه به دنبال تغییر اساسی در جبهه خود هستند باید تلاش کنند این تفکر در باقی افرادی که مانند آنها نمی اندیشند هم ایجاد شود؛ چون در غیر این صورت آش همان آش است و کاسه همان...؛ باز هم بدون مانیفست و بی هدف. تنها هر چهار سال یک بار خاتمی می آید و یک پیام حضور در انتخابات می دهد شاید گرفت (۱) و در این راستا عده ای به نام اصلاح طلبی صاحب قدرت و منصب شده اند و در نتیجه باز هم از نقطه صفر همه چیز شروع می شود. گروهی از اصلاح طلبان هم امکان است به این نتیجه رسیده باشند که اساسا جریان شان یک جریان حذف شده است که نه این سر جوی است و نه آن سر جوی. این دسته دیگر حضور در انتخابات و تلاش برای رقابت ها را وقتی نه بخشی از حاکمیت آنها را می پذیرد و نه جریان مردمی، به صلاح نمی دانند و معتقدند عملا باید شکل و شمایل فعالیت های شان را تغییر دهند و نوعی دیگر ببینند و از اصلاح طلبی اعلام براهت کنند و برای همیشه نیز از جریان قدرت خدا حافظی و چه بسا برخی شان به سمت و سوی دیگری بروند. دسته بعدی اصلاح طلبان هم هنوز در خواب سیاسی زمستانی خود به سر برده و خود را با توجه به همان چهره های شاخصی که دارند، دلخوش می کنند و معتقدند باید به ظرفیت هایی مانند خاتمی و امثالهم بالید یا هنوز از حصر می گویند و تصورشان این است که این گفته ها و تکرار مکررات همچنان خریدار دارد. چهره های اصلاح طلبی هم هستند که معتقدند به جای انفعال امروز باید نقش یک منتقد سازنده را برای دولت جدید بازی کنند و با دقت موارد را رصد کرده و زبان به نقد بکشایند و تحلیل های منطقی داشته باشند و از این رو خواهان باز شدن هر چه بیشتر فضای سیاسی شوند و اجازه ندهند حضور قوای یکسان در کشور، فضای نقد و به چالش کشیدن مسئولان و مقامات را برای همیشه به محاق برده و به این ترتیب رسانه ها و سایر جایگاه های کشور در عوض ایفای نقش یک مطالبه گر منطقی و دانا، نقش بله قربان گوها را برای صاحبان قدرت کنونی بازی کنند و عملا مردم و مطالبات شان کنار گذاشته شوند. از همین رو این دسته معتقدند اصلاحات باید خود را مطالبه گر حقوق مردم بدانند؛ نه جریان خودش و باید منتقدی آگاه و دلسوز در این سال های پیش رو باشند. جریان اصلاحات و افراد درون این جریان را در عصر رئیسی به هر دسته و گروهی که تقسیم کنیم اما باید یک نکته را خوب بدانیم؛ اینکه اگر بنا باشد آنها همان رویه این ۲۴ ساله را در پیش بگیرند و حتی حنای شان برای ۴ سال بعد دوباره رنگ پیدا کند و بتوانند مردم را مجاب به رای به کاندیدای خودشان کنند، اما حقیقتا این روش و مرام، کاری برای بهبود اوضاع این مردم نخواهد کرد.

است؛ حالا با هر کسی و به هر شکلی. دسته دیگر از چهره های اصلاح طلب اما منتظرند، منتظر تا ببینند اوضاع چگونه پیش می رود تا بعد برایش فکری کنند. فقط همین. گروه بعدی اصلاح طلبان به نیکی می دانند جریان اصلاحات با این فرمول دیگر راه به جایی نخواهد برد و باید تغییرات اساسی در خود ایجاد کنند؛ تغییراتی که قطعاً به معنای تغییر نام های شکلی شوراها و تشکل ها با همان سیاست های قدیمی یا جایگزین کردن یک رئیس به جای رئیس دیگر نیست؛ بلکه یک تغییر ریشه ای است و بنیادین. این جریان باید به این فکر کند که چرا بعد از ۲۴ سال از اعلام موجودیت، هنوز نتوانسته هواداران ثابتی

برای کشور و مردم نمی خواهند. البته ناگفته نماند در مقابل همین دسته گروهی کاملاً متفاوت هم هستند که نامید از جریان اصلاح طلب و اصولگرا به دنبال همکاری های صادقانه با هر کسی می گردند که بتواند کاری شایسته برای ایران انجام دهد؛ نشان به آن نشان که از دفتر رئیسی با برخی چهره های این جریان تماس گرفته شده و در این بین بعضی از این چهره های آنکه ذره ای به پست و مقامی بیندیشند یا ترسی از عواقب بیان واقعیت داشته باشند، مشکلات کشور را دلسوزانه به قلم آورده اند و از رئیسی خواسته اند آنها را به هر نحوی که شده حل کند. این دسته تنها دغدغه شان رویای ایرانی شاد و آزاد

آرمان ملی - امید کاجیان: سرنوشت و عملکرد اصلاح طلبان در عصر رئیسی می تواند یکی از پرسش های قابل تأمل طی حداقل چهار تا هشت سال آتی باشد. انتخابات ۱۴۰۰ و رای دو میلیونی همتی، به رغم دعوت برخی اصلاح طلبان به رای دادن؛ از خاتمی گرفته تا نبوی، کروبی و... و البته حضور زیر ۵۰ درصدی مردم در انتخابات نشان داده است که دیگر نسخه نویسی های سابق این جریان مبنی بر هر اس افکنی در دل مردم برای به پای صندوق کشاندن و رای دادن به کاندیدای آنها - در جهت رای تیاوردن کاندیدای جریان رقیب شان - کار آیی ندارد و تکرار کردن هانیز فعلا تا اطلاع ثانوی تکرار نمی شود و از رفق افتاده است. آنچه مسلم است اینکه جریان اصلاح طلب طی هشت سال گذشته به هر دلیلی و با هر توجیهی در عرصه مجلس و دولت خوب نتیجه نگرفته و شکاف میان مردم و آنها بیش از هر زمان دیگری شده است. اکنون پرسش این است که این جماعت در عصر رئیسی چه سرنوشتی پیدا می کنند؟ در این رابطه به نظر می آید باید آنها را در چند دسته گوناگون و نه در یک واحد قرار دهیم.

### تقسیم بندی اصلاح طلبان عصر رئیسی؟

دسته اول چهره هایی هستند که برایشان بقای در قدرت بر هر چیزی اولویت دارد. این عده که روزگاری با نام اصلاحات و اصلاح طلبان به دنبال نامها و سمت ها و پست ها و مناصب و روزهای خوب مالی رسیده بودند، از چندین ماه پیش که همه می دانستند شرایط کشور در حال تغییر است و جریان راست تمام و کمال قدرت را در دست می گیرد و حداقل چند سالی به همین متوال می گذرد، راه و روش دیگری در پیش گرفته اند و به جای دفاع از اصلاح طلبان و اظهارات روشنفکر نمایانه بزک شده، به فکر تغییر مسیر محسوس در خود افتاده اند که تنها یک معنا می دهد؛ تلاش برای بقا در دولت اصولگرای آینده. از همین رو شاهدیم که برخی چهره ها و رسانه های اصلاح طلب و... در این مدت به صورت چراغ خاموش و گاه هم زیادی چراغ روشن و آشکارا سعی در جدا کردن خود از دولت روحانی، که زمانی سنگ آن را بر سینه می زدند، دارند و به سمت رئیسی متمایل شده اند و از در تعریف و تمجید او برآمده اند... اما حقیقت امر این است که بخشی از چهره های اصلاح طلبی که، امروز دل در گرو رئیسی دارند، از همان دست آدم هایی هستند که سیاسی گری و عقایدشان را مطابق با جریان قدرت تنظیم می کنند و از همین رو نیز بسته به این فرایند به آن جهت می دهند. اساسا این دست از اصلاح طلبان همان هایی هستند که نه اصولگرایان و رئیسی، نه جریان چپ و نه مردم نباید روی آنها حساب ویژه ای باز کنند، چراکه جز قدرت و منصب و پول و بقای خود چیزی